



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

داکتر عبدالرحمن زمانی

۱۹ می، ۲۰۲۴

آیا اعتراف مصطفی صغیر، ایجنٹ انگلیس ها، و نقشش در کشتن امیر حبیب الله خان یک داستان خیالیست؟

(قسمت پنجم)

موقعیت ستراتیژیک افغانستان و اهمیت وفاداری امیر حبیب الله خان برای انگلیس ها

افغانستان همواره در تاریخ دیپلوماسی شرق برای انگلستان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است . انگلیس ها باید برای حفاظت هندبریتانوی ، که حیثیت قیمت بها ترین گوهر در تاج امپراتوری بریتانوی را داشت، افغانستان را تحت ساحة نفوذ خود نگه میداشتند. وفاداری امیر حبیب الله خان به انگلیس ها نیز، با در نظر داشت اینکه روس ها خواب رسیدن به آب های گرم بحر هند را میدیدند، و آرزومند تماس مستقیم با دربار کابل و خواهان توسعه مناسبات دیپلوماتیک بودند، اهمیت خاص خودش را داشت .

امیر حبیب الله خان بعد از عقد معاهده سال ۱۹۰۵ با انگلیس، مسافرت سال ۱۹۰۷ به هند بریتانوی، و قرارداد سال ۱۹۰۷ روس و انگلیس، هم از انگلیس و هم از روس خود را مصئون و مامون شمرد. درین قرارداد بین انگلیس و روس در «سن پترزبورگ» هر دو ابر قدرت توافق کردند که افغانستان از حوزه دست اندازی آنها خارج باشد . انگلیسها با بدست آوردن امتیاز کنترل سیاست خارجی افغانستان، تعهد سپردند که دیگر از اشغال بخش های این سرزمین پرهیز نمایند و شوروی ها متقابلاً وعده دادند که در پشت مرز های تعیین شده قرار گیرند.

امیر حبیب الله خان بعد ازین قرارداد با خاطر جمعی امور داخلی کشور را بین برادر و پسر خود (نائب السلطنه سردار نصرالله خان و معین السلطنه سردار عنایت الله خان) طوری تقسیم کرد و خود کاملاً از امور مملکت داری بی پروا، روز به روز بیشتر در لذات حرم فرورفته خود را به شکار،

مجالس تفریحی و انواع ساعت تیری مصروف ساخت، تا آنکه اداره کشور به تدریج رو به انحطاط و فساد نهاد.

علاوه برین عامل دیگری که سبب بدنامی امیر حبیب الله خان در داخل کشور شد، پالیسی وفاداری اش به انگلیس ها و تبدیل شدن کابل به مرکز فعالیت های سیاسی برخی از کشور های اروپایی و آسیایی بود که خودیکی از علل مهم احیای نهضت مشروطیت و شدت مبارزه علیه رژیم امیر حبیب الله خان، دانسته میشود.

هدف مشروطه خواهان و ملی گرایان که در مراکز سه گانه لیبرال های اصلاح طلب داخل دربار، روشنفکران حلقه مکتب حبیبیه و روشنفکران منفرد خارج این دو حلقه گرد آمده بودند، تبدیل حکومت مطلقه به حکومت مشروطه، تحصیل استقلال و نشر تمدن و فرهنگ جدید در افغانستان بود. در بین این مشروطه خواهانی که مبارزه سری یا علنی میکردند، و در داخل یا خارج انجمن سراج الاخبار، مجلس جان نثاران اسلام و جمعیت سری ملی قرارداشتند، اشخاص رادیکالی هم بودند که برای تحقق مرام خود حاضر بودند دست به ترور و کودتا هم بزنند.

تغیر اوضاع در دوران جنگ جهانی اول:

جنگ جهانی اول و مسئله وارد شدن در جنگ به طرفداری ترک ها علیه انگلیس در دربار امیر حبیب الله خان باعث تاثیرات عمیق شده و حلقه های حاکمه را به دو گروه مخالف تقسیم نمود:

ا. گروه هوادار انگلیس ها یا گروهی که میخواست در جنگ بی طرف باقی بماند. درین گروه خود امیر، عبدالقدوس خان اعتمادالدوله، بی بی حلیمه بیوه بسیار فعال امیر عبدالرحمن خان و تعدادی از تاجرانی شامل بودند که با هند بریتانوی تجارت داشتند. اسناد آرشیف انگلستان نشان میدهد که موقف جنرال محمد نادرخان و برادرانش درین گروه کاملاً روشن نبود. آنها طرفدار منافع انگلیس یعنی بیطرفی در جنگ بودند، ولی با ترس از اینکه به طرفداری از انگلیس ها متهم نشوند، موقف شانرا به گونه فورمولبندی نمودند که از تصامیم امیر حبیب الله خان پیروی خواهند نمود. (اسناد آرشیف انگلستان، (L/P&S/۱۰/۲۰۲, Kabul Diary, ۷. Feb. ۱۹۱۶)

ب. گروه طرفدار جنگ با انگلیس ها یا به اصطلاح حزب جنگ که انگلیس ها آنرا بنام گروه جنگ مینامیدند. درین گروه، نخست سنت گرایان تحت رهبری سردار نصرالله خان و قاضی القضاات حاجی عبدالرازق خان که توسط روحانیون و رهبران قبیایلی حمایت میشد، و ثانیاً تجددطلبان تحت رهبری محمود طرزی و امان الله خان شامل بودند. (Olesen, Asta (۱۹۹۵). Islam)

and Politics in Afghanistan. Curzon Press, London (اسلام و سیاست در افغانستان) (ص ۱۰۱).

سردار نصرالله خان بنا به دلایل مختلف مثل توهین ناکامی سفرش به لندن، ناراض بودن از معاهده روس و انگلیس، حمایت از خلافت عثمانی و ترجیح دادن انگلیس ها به ولیعهد بودن سردار عنایت الله خان بر او، از انگلیس ها نفرت داشته خواهان شرکت افغانستان در جنگ جهانی اول به طرفداری ترک ها بود. و همین وجه مشترک زمینه را برای اتحادی بین دوجناح نیرو های مشروطه خواه، تجدد پسند و ملی گرا به رهبری شهزاده امان الله خان و محمود طرزی، و عناصر عنعنه پرست و محافظه کار به رهبری سردار نصرالله خان برادر امیر بوجود آورد.

قابل یادآوریست که انتخاب ولیعهد به موافقه هند بریتانوی صورت میگرفت. قرار بود نصرالله خان، برادر امیر که به نائب السلطنه ملقب و بعد از امیر از نظر رتبه و قدرت شخص دوم بشمار میرفت، وارث تاج و تخت باشد. اما انگلیس ها ترجیح دادند تا این امتیاز به سردار عنایت الله خان، پسر ارشد امیر داده شود. امیر نیز با این انتخاب موافق بود. (برای معلومات بیشتر به بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس، مراجعه شود).

تغییراتی که در آستانه و روند جنگ اول جهانی رخ داد، عبارت بودند از:

الف . تقویت احساس همبستگی مسلمانان:

در دوران جنگ جهانی اول هنگامیکه ترکیه به مقابل امپراتوری انگلیس و متحدینش به پشتیبانی از جرمنی وارد جنگ شد، احساس همبستگی و اتحاد در جهان اسلام و مخالفت با انگلیس هایکیبار دیگر تقویت یافت. حتی مفکوره احیای مقام خلافت توسط سلطان عبدالحمید دوم، سلطان ترکیه عثمانی، و مبارزات ترک های جوان بنام جنبش خلافت حمایت قوی را برای حفظ مقام خلافت در شبه قاره هند و افغانستان تولید کرد. ملی گرایان و علمای دینی از دعوت سلطان عبدالحمید دوم برای جهاد نه تنها بخاطری استقبال نمودند که ترکیه مرکز خلافت بود و مسلمانهای اهل تسنن در دفاع از آن احساس مسئولیت میکردند، بلکه این استقبال برای اتحاد با قوتهای دیگر اسلامی به مقابل متحدین نیز بود و این کار میتوانست تلاش افغانستان را برای آزادی کامل از نفوذ انگلیس ها تقویت بخشد.

فشار بر امیر حبیب الله خان زمانی بیشتر شد که انور پاشا، وزیر جنگ ترک های جوان، نامه ای حاوی نکات زیر را فرستاد:

• سلطان ترکیه اعلام جهاد کرده است که همه مسلمانان باید از آن اطاعت کنند (چون سلطان خلیفه المسلمین بود). مسلمانان هند و فارس از این اعلامیه پیروی می کردند، اما قضیه افغانستان چه بود؟

• آیا افغانستان به نیروهای ترکیه اجازه عبور از این کشور را می دهد؟
• او پیشنهاد کرد که روابط دیپلماتیک افغانستان و بریتانیا خاتمه یابد؛ و
• اینکه ملاهای افغان از پیوستن به جهاد منع نشوند. (اسناد آرشیف انگلستان، Olesen, Asta (۱۹۹۵).) به حواله L/P&S/۱۰/۲۰۲, Kabul Diary, ۳۰,۰۹,۱۹۱۵ Islam and Politics in (ص ۱۰۵).

ب. آمدن هیئت نمایندگی مشترک ترکیه و آلمان و تلاش های استفاده از مفهوم جهاد:

هنگامی که جنگ جهانی اول آغاز شد، مقامات آلمانی شروع به بررسی چگونگی به آتش کشیدن منطقه بسیار حساس در حد فاصل بین حوزه نفوذ بریتانیا، فرانسه و روسیه کردند تا به دشمنان خود آسیب وارد کنند. آلمانی ها علاوه بر مراکش، الجزایر و مصر تا قفقاز، ایران، افغانستان و هند را نیز شناسایی کردند. این مناطق باید با تحریک جمعیت مسلمان محلی برای قیام علیه حاکمان بریتانوی، فرانسوی و روسی به یک فضای وحشت تبدیل میشد. از سنت اسلامی دفاع مقدس یا جهاد برای برافروختن آتش استفاده میشد. در اینجا امپراتوری عثمانی که متحد آلمان بود، نقش مهمی داشت.

درین رابطه آلمانی ها به فکر بهره گیری ابزاری از نیروی قبایل پشتون برای در تنگنا انداختن انگلیسی ها برآمدند و به رغم این که نتوانستند به پیمانانه کامل امیر حبیب الله خان را وادار به جنگ در برابر انگلیس ها نمایند، هر چه بود، توانستند درد سر بزرگی را برای آن کشور بیافرینند و بخش بزرگی از نیروهای آن را برای حفظ ماتقدم در این منطقه از زمین «زمینگیر» سازند. سیاست آلمان در جنگ جهانی دوم هم دقیقا همین خط را پیگیری می کرد که این بار هم به رغم این که نتوانستند هاشم خان صدراعظم و قبایل سرحد آزاد را در برابر انگلیس بشورانند، با آن هم موفق گردیدند به پیمانانه چشمگیری برای بریتانیا درد سر درست کنند و باز هم بخش بزرگی از نیروهای آن کشور را در نوار مرزی میان هند بریتانیایی و افغانستان سرگرم نگهدارند. (تیخانف، نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان، و قبایل پشتون، ص ۱۹).

در برلین امیدوار بودند امیر حبیب الله را به اتحاد در برابر بریتانیای کبیر (با دادن تضمین به او مبنی بر بازگرداندن همه سرزمین های پشتونی که قبلا از سوی انگلیسی ها اشغال گردیده بود)،

متمایل سازند. شاید رهبری آلمان می‌سنجید که هرگاه به اتحاد نظامی با کابل دست نیابد، دست کم اجازه بهره‌گیری از خاک افغانستان برای راه‌اندازی پویایی‌های ویرانگرانه در میان پتان‌های خاوری را به دست خواهد آورد. آلمانی‌ها امیدوار بودند به کمک سکه‌های زرین و نامه سلطان ترک، خیزش نیرومند ضد بریتانیایی قبایل پشتون را با فراخوان به جهاد راه‌بیندازند. (همانجا، ص ۳۲).

ج. نقش محمود طرزی در بیداری شعور سیاسی افغان‌ها:

هرچند رسیدن هیئت نمایندگی مشترک ترکیه و آلمان، تحت ریاست اوسکار نیدرمایر که در آن برکت‌الله و راجا مهندرا پرتاب، دوتن از انقلابیون هندی که بعداً حکومت موقت جلالی وطن‌هند را در کابل تشکیل دادند، با پیام امپراتور و صدراعظم آلمان، نتوانست امیر حبیب‌الله خان را به جنگ تشویق کند، درین دوران محمود طرزی، یکی از پیروان علامه سید جمال‌الدین افغانی و ناشر جریده سراج‌ال‌اخبار، با عده‌ای از ملی‌گرایان کوشید تا از طریق انتشار مضامینی بین ملت‌گرائی و تفکر اسلامی نزدیکی ایجاد نماید. سراج‌ال‌اخبار با باز نمودن مجرای بیداری شعور سیاسی برای مردم ابتکار تبلیغ و جلب کمک برای ترکیه عثمانی و حرکت پان‌اسلامیزم را عهده‌دار گردید. بی‌جهت نبود که نائب‌السلطنه هند بریتانوی در نامه ۱۴ دسمبر خود به امیر حبیب‌الله خان نوشت: «اطلاع یافته‌ام که روزنامه‌ای بنام سراج‌ال‌اخبار، که در کابل منتشر میشود، به پیمان‌های زیادی حاوی مطالب نادرست و تخریب‌کننده در رابطه با جنگ جاری اروپایی باشد. مطالب این اخبار بجز از اینکه اثرات نادرستی در ذهن خواننده خلق نماید، در باره پیشرفت این جنگ و علی‌که دولت بریتانیا را به این جنگ کشاند، کاری انجام داده نمی‌تواند. ... بنظر من کاملاً نامطلوب و ناخوش‌آیند خواهد بود اگر این اخبار به وضع موجود در هندوستان منتشر شود، زیرا هم با مقالات نادرست خود این فکر را که نوشته‌های آن نمایندگی از احساسات عالی‌دولت شما میکند، ناآرامی زیادی در اذهان مردم ناآگاه تولید میکند و چنان نشان میدهد که گویا روابط حضور اعلیحضرت شما و اینجانب چنانیکه باید و یا به حدی که من امیدوار هستم دوستانه نیست. یقین خواهید داشت که اینجانب کوچکترین تمایلی برای مداخله در هیچ امری از امور داخلی افغانستان ندارم، ولی به صفت یک دوست به اعلیحضرت شما مشورت میدهم و خواهشمندم که تصامیمی اتخاذ شود که یا این روزنامه را توقیف کنند و یا در لحن موجوده آن تغییر بیاورند». (اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی ۱۴/۶/L/P&S)

بعد از آنکه امیر حبیب الله خان با سیاست بیطرفی و اطاعت از دساتیر انگلیس ها آزادیخواهان کشور را خشمگین ساخت، نائب السلطنه هند به تاریخ سوم مارچ ۱۹۱۵ خوشنودیش را اظهار داشته نوشت که « خوشحالم از اینکه اعلیحضرت شما با وجود چنان عوامل مؤثر نفوذی که در قلمرو تان در کار بوده، توانسته اید با استواری و به تدریج یک سیاست بیطرفی را، که به دولت شاهنشاهی بریتانیا خبر داده بودید، تعقیب کنید. من شواهدی از حضور عاملان حضور شما بر خطابه های نرم ملا ها در امتداد سرحد و همچنین لحن تغییر یافتهء سراج الاخبار بدست دارم» (همانجا).

اما محمود طرزی در ستون مقاله مخصوصه، در باره موضوعات مهم و ملی به نوشتنش ادامه داد. وی به شیوه خیلی مدبرانه افکار ترقی خواهانه و آزادی طلبانه خود را از کشور های همسایه آغاز کرده و به روشنفکران و نهضت طلبان افغانستان راهها و شیوه های مبارزه علیه دولت انگلیس را درس میداد. مقاله های نشر شده مثل مسلمانی در چیست؟، چه بودیم و چه شدیم؟، مسلمانان کدام علم را بیاموزند؟ آیا مانع ترقی مسلمانها چیست؟ آیا براستی اسلامیت دشمن علم و حکمت است...؟ اتحاد اسلام، استقلال افغانستان، شناخته شدن استقلال افغانستان، افغانستان چقدر مستعد و قابل ترقی و تمدن است؟، موانع خارجی معارف افغانستان، فلسفه اسلامیه، آیا علم را محدود بگوئیم یا غیر محدود؟، و بسا مقاله های دیگر سریعاً به خوانندگان جریده راههای آزیخواهی و آزاد منشی را روشن می ساخت .

وطن دوستی و وحدت و اتحاد نیروهای ملی و مبارزه با استعمار انگلیس و آزادی افغانستان در مقالات محمود طرزی در اولویت قرار داشت . مقاله حی علی الفلاح (مؤرخ ۸ جنوری ۱۹۱۶) و مقاله استقلال دولت علیه مستقلة افغانستان (شماره ۱۳ فبروری ۱۹۱۸) مردم را به قیام ضد انگلیسی و حصول استقلال و آزادی افغانستان دعوت کرد.

به رویت اسناد آرشیف هند بریتانوی در لندن، نه تنها حکومت هند بریتانوی، بلکه دولت روسیه تزاری هم برای ضعیف و یا خنثی ساختن اثرات جریده سراج الاخبار رسماً دست به اقداماتی زده اند. در سال ۱۹۱۷ دولت روسیه تزاری در ترکستان سعی نمود بوسیله انگلیس ها بر امیر حبیب الله خان فشار وارد کند تا خط مشی سراج الاخبار را عوض کند. (اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، گرانت ، ۵ مارچ ۱۹۱۷).

نائب السلطنه و گورنر جنرال هند بریتانوی قبلاً به امیر حبیب الله خان نوشته بود که «من ازین متأسفم که از طریق دفاتر خود دریافتم که در اخبار اصلاحات پیدا نشده است. هدف من، متوجه مستقیم مطالب در کاپی ۱۶ اپریل ۱۹۱۵ است که بخاطر معلومات شما ضمیمه شده است. ..از

نوشته این شعر پشتو بر می آید که واضحاً اراده دارد مستقیماً به مردم سرحد مراجعه کند. (اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، یادداشت ۵ می ۱۹۱۵، L/P&S/۱۱/۱۸۸).

د. فشار انگلیس ها و سرزنش و توبیخ محمود طرزی توسط امیر حبیب الله خان

حافظ سیف الله خان عامل انگلیس در کابل در یکی از راپورهایش مینویسد که امیر حبیب الله خان به محمود طرزی نوشت «محمود طرزی پسر غلام محمد طرزی ادیتور اخبار! باید بدانی که در آینده چنین مطالب غیر مؤثق را علیه بریتانیا نوشته نکنید، چه آنها دوست حکومت ما میباشند. اگر دوباره بدین طریق نوشته کردید، بدون ملاحظه از کشور خارج ساخته خواهید شد». (اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، یادداشت ۷ نومبر ۱۹۱۵، L/P&S/۱۱۰/۲۰۳).

حافظ سیف الله خان باز هم مینویسد که من از چندین منبع شنیدم که محمود طرزی ادیتور اخبار سراج الاخبار کابل توسط امیر نه تنها سرزنش و توبیخ شده است بلکه جزا واقعی هم دیده است، و یک قسمت قابل ملاحظه معاش اش که از حکومت افغانستان برای ادامه زندگی خود میگرفت قطع شده است و آن بخاطر لهجه مخالفانه اش که در اخبار راجع به سیاست دوستی بریتانیا اختیار نموده است. گفته شده که نایب السلطنه و معین السلطنه در زمینه به شفاعت او نزد امیر پرداخته اند.

محمود طرزی به خاطر نگارش مقاله تحت عنوان «حی علی الفلاح» که دربار از نشر آن جلوگیری کرد، از طرف امیر حبیب الله خان توبیخ شد و خود امیر در حاشیه مقاله یادشده نوشت که «محمود بی وقت اذان داده است و مرغی که بی وقت اذان بدهد سرش از بریدن است». (در قسمت ضمایم مقاله "حی علی الفلاح" را تا آخر خوانده میتوانید).

ه. تاسیس حکومت مؤقت هند در کابل:

کابل در دوران جنگ جهانی اول به مرکز فعالیتهای ضد انگلیسی مبارزین هندی تبدیل شده بود. درین دوران یک حکومت مؤقت در تبعید هم به تاریخ اول ماه دسمبر ۱۹۱۵ با حمایت قدرت های مرکزی توسط کمیته استقلال هند تاسیس شد. هدف این حکومت جلب حمایت امیر افغانستان، روسیه، چین و جاپان برای جنبش ملی گرای هند بود. سه عضو مهم حکومت مؤقت هند عبارت بودند از راجا مهندرا پرتاب (رئیس)، مولوی برکت الله (صدر اعظم) و مولانا عبیدالله سیندهی (وزیر داخله). افراد دیگر از جمله مشاورین بودند. تعداد اعضای این حکومت در دوره امانی بعد از جنگ استقلال افزایش یافت، که در آن جمله مولانا بشیر، رهبر جماعت مجاهدین در سرحد آزاد قابل ذکر است. (مولانا عبیدالله سیندهی کی سرگذشت کابل، ص ۱۲۴).

ملیگرایان هندی با کمک آلمانی ها سعی داشتند از افغانستان و ترکستان به عنوان پایگاهی برای سازماندهی قیام در هند استفاده کنند.

و . فعالیت جاسوس های هندی تبار انگلیس در کابل:

در بین هندی های مقیم کابل یک گروهی از شاگردان کالج لاهور هم بود که در ماه فبروری ۱۹۱۵ میلادی هند بریتانوی (دارالکفر) را ترک و به افغانستان (دارالاسلام) هجرت کرد، تا از آنجا بخاطر شمولیت در ارتش ترکیه خود را به ترکیه برسانند. درین گروه ظفر حسن ایبک و الله نواز خان ملتانی پسر خان بهادر رب نواز خان با برادرش شاهنواز خان و خادم شان عبدالحق که جدیداً مسلمان شده بود، نیز شمولیت داشتند.

به استناد اسناد آرشیف هند بریتانوی، غبار، پوهاند حبیبی، ظفر حسن ایبک و ادمک، خاندان "نواز" سابقه طولانی در خدمت حکومت انگلیس داشت. در دوره امانی یک شخصیت مشکوک بود. برادرش با سفارت انگلیس در کابل ارتباط مخفیانه داشت. عبدالحق خادم شان شخصی بود که راز "نامه های ابریشمی" معروف مولانا عبیدالله سندهی را افشا کرده و سبب دستگیری تعداد زیادی از مبارزین ضد استعمار انگلیس شد. ادمک مینویسد که الله نواز خان ادم خطرناکی بود.... او در رابطه با قبایل سرحد خدمات ارزشمندی را برای نادر شاه انجام داده است. وزارت خارجه جرمنی او را جاسوس انگلیس میداند. سفیر ایتالیا در کابل نیز عین اشتباه را دارد. الله نواز خان که از هواداران سر سخت نادر شاه بود، در اوایل سلطنت محمد نادر شاه به غزنی فرستاده شد تا شیرآغا مجددی (نورالمشایخ) را تحت تعقیب داشته باشد، زیرا حکومت وقت بر شیرآغا مجددی چندان اعتماد نداشت. الله نواز خان بحیث یاور اول محمد نادرشاه و به تعقیب آن به صفت وزیر مقرر شد. الله نواز خان در سال ۱۹۳۲ از راه هند بریتانوی با آزادی تام به اروپا رفت. برای گفتگو در موضوع جزای قاتل سردار محمد عزیز در برلین شرکت نمود. مدتی وزیر دربار و وزیر فوائد عامه بود. بین سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۴۵ بحیث سفیر (وزیر مختار) افغانستان در برلین ایفای وظیفه نموده و غلام صدیق خان چرخ و هواداران دیگر غازی امان الله خان را تعقیب میکرد. (معلومات بیشتر را در کتاب بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس خوانده میتوانید).

ز . انقلاب اکتوبر روسیه:

با وقوع انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ در روسیه و تشکیل شوروی، موقف رژیم جدید شوروی برای انگلیس ها روشن نبود. آزادی بیش از صد هزار اسیر جنگی اتریشی و آلمانی در ترکستان روسیه توسط بلشویک ها منبع بالقوه خطری برای بریتانیا در تمام مناطق آشفته خاورمیانه ایجاد کرد. بلشویک ها

این کار را با انتشار یک فرمان در سال ۱۹۱۷ انجام داده و اعلام کردند که تمام اسیران جنگی اتریشی و آلمانی را آزاد می‌کنند. این اقدام به عنوان نمادی از مبارزه ضد استعماری و ضد جنگ شناخته شد. این اقدام بر روابط منطقه‌ای تأثیراتی داشت. به طور خاص، این موضوع موجب نگرانی بریتانیا دربارهٔ تأثیرات بلشویک‌ها در مناطق آشفته خاورمیانه شد.

انگلیس‌ها نمیدانستند که پلان بلشویک‌ها چیست. انگلیس‌ها به یک جاسوس ورزیده خود، کرنیل بایل دستور دادند که به تاشکند برود «تا بفهمد آنها چه نوع افرادی هستند و سعی کند آنها را متقاعد کند که به جنگ علیه آلمان ادامه دهند یا حداقل برای کمک به نیروهای مرکزی در جنگ علیه انگلیس‌ها شرکت نکنند. (جانتن کیپ، Mission to Tashkent by Lt. Col. F. M. Baile، London، صفحه ۲۶).

انگلیس‌ها بعداً دریافتند که سیاست جدید شوروی با سیاست روسیه تزاری چندان فرقی نداشته و سیاست این کشور پیوسته دور سه محور رسیدن به سوی هند و آب‌های گرم، جلوگیری از پیشروی بریتانیا به سوی آسیای مرکزی و استفاده از قبایل پشتون بحیث وسیله علیه انگلیس‌ها می‌چرخیده است.

در قسمت آینده و اخیر، ترس و نگرانی بریتانیا در مورد امنیت هند بریتانوی، بحران اعتماد انگلیس‌ها قبل از کشته شدن امیر حبیب‌الله خان، کامیابی دسیسه‌های انگلیس علیه آلمانی‌ها و ترک‌ها و انگیزه قتل امیر حبیب‌الله خان توسط انگلیس‌ها را خواهید خواند.

(ادامه دارد)